

## جمهوری اسلامی و "انتخابات" مجلس هفتم!

در حالی که کمتر از سه ماه به پایان کار مجلس ششم شورای اسلامی و "انتخابات" مجلس هفتم باقی مانده است، بحث و دیالوگ بر سر جایگاه و "اهمیت تاریخی" این "انتخابات" چه در میان جناح‌های درون حاکمیت و چه در میان بخش‌های مختلف اپوزیسیون بورژوازی ایران شروع شده است. با اینکه هنوز مدت زیادی از شروع این بحث‌ها نگذشته است، اما روشن است که نقطه مشترک در موضع این جریان‌ها، چه آنها که در حلقه قدرت قرار دارند و چه آنها که بیرون حاکمیت هستند، این است که با بکار بستن چه شیوه و شگردهایی می‌توانند آن میزان از مردم را به پای صندوق‌های رای بکشانند که بتوانند بار دیگر نمایش مشروعیت جمهوری اسلامی را بدون مشکل از سر بگذارند. در این میان جبهه اصلاح‌طلبان بیشتر از محافظه‌کاران برای گرم کردن بازار انتخابات تلاش می‌کنند و از هم اکنون مردم را از این می‌ترسانند که اگر در انتخابات شرکت نکنند، این جناح محافظه‌کار است که تمام مراکز قدرت را در دست خودش قبضه می‌کند. آن بخش از اصلاح‌طلبان که در جبهه جمهوریخواهان گرد آمده‌اند و از سکولاریزم صحبت می‌کنند، این روزها با این تناقض روبرو هستند که از یک طرف مطابق استراتژی سیاسی‌ای که دارند یعنی اصلاح جمهوری اسلامی از طریق بکار بستن مکانیسم انتخابات و صندوق‌های رای و یا برکناری آن بدون انقلاب، نمی‌توانند هیچ سیاست عملی دیگری غیر از بازار گرمی برای "انتخابات" و سرانجام شرکت کردن در آن را در دستور داشته باشند، از طرف دیگر مطمئن نیستند که علیرغم هر استراتژی‌ای که داشته باشند آیا در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی به آنها این فرصت داده می‌شود تا شانس خود را به بوته آزمایش بگذارند. این بخش از اپوزیسیون بورژوازی ایران اگر چه تاکنون موضع رسمی خود را اعلام نکرده‌اند اما در تبلیغات روزانه خودشان در سایت‌های اینترنتی با سخن گفتن از اهمیت تاریخی این "انتخابات" و اهمیت شرکت در آن عملاً به استقبال آن می‌شتابند. در واقع نه تنها اصلاح‌طلبان درون حکومت، بلکه اصلاح‌طلبان خارج از دایره قدرت هم بر اساس استراتژی سیاسی که دارند به مشروعیت جمهوری اسلامی و مشروعیت نظام انتخاباتی این رژیم احتیاج دارند تا بتوانند از حقانیت و مشروعیت استراتژی سیاسی خودشان دفاع کنند.

اما تا آنجا که به میزان شرکت مردم برمیگردد ←

## «رفراندوم» برای بازنگری قانون اساسی! تلاشی عبث، فریبی دیگر!

صفحه ۲

### ۱۶ آذر، روز مبارزه علیه

## جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان

اقدام دانشجویان در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، رخوت و بی‌صدایی در دانشگاه‌ها را که محصول اختناق بود که از سال‌های ۵۹ تا ۷۸، در دانشگاه‌ها و کل جامعه حاکم بود، شکست. شش روزی که ایران را لرزاند و افکار عمومی جهان را یک بار دیگر در سطح وسیعی متوجه وقایع ایران نمود.



باید سالگرد شانزده آذر ۱۳۸۲ را به احیای سنت گرایش آزادیخواه، پیشرو و چپ ضدسلطنت و ضدجمهوری اسلامی در دانشگاه‌های ایران تبدیل کرد. دانشگاه‌های ایران، سنت قوی در تقویت گرایش‌ها چپ و آزادیخواه دارند.

صفحه ۴

## چرا جمهوری اسلامی محکومیت در آژانس بین‌المللی اتمی را موفقیت می‌نامد؟

صفحه ۸

## گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری

صفحه ۶

### صدای انقلاب ایران

صبح‌ها: ۷ - ۸

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

### صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

### برنامه سراسری رادیو کومه‌له

«رادیو کومه‌له» در ادامه برنامه‌هایی که تاکنون پخش آنها برای ایران و منطقه خاورمیانه بود، برنامه ویژه‌ای را نیز در سطح سراسری هر یکشنبه از ساعت ۱۹ تا ۲۰ به وقت اروپای مرکزی به دو زبان کردی و فارسی روی موج ۴۱ متر، فرکانس ۷۵۶۰ کیلوهرتز پخش می‌کند. این برنامه بر روی «سایت رادیو صدای کومه‌له» و سایت‌های «کومه‌له» و «حزب کمونیست ایران» نیز قابل دسترسی است



ساعت و طول موج این رادیو را به اطلاع  
دوستان و آشنایان خود برسانید

## جمهوری اسلامی

## و "انتخابات" مجلس هفتم!

این انتخابات نیز سرنوشتی بهتر از سرنوشت "انتخابات" شوراهای اسلامی شهر و روستای زمستان سال گذشته نخواهد داشت. توده‌های وسیعی از مردم در این "انتخابات" شرکت نخواهند کرد. اما شرکت نکردن مردم در این "انتخابات" تنها به این خاطر نیست که از هم اکنون سیاهه جعل و تقلب بر آن سایه انداخته است، یا تنها به دلیل این واقعیت نیست که انتخابات در جمهوری اسلامی با پایین‌ترین استانداردهای یک انتخابات آزاد ضدیت دارد، بلکه بیشتر به این دلیل است که توده‌های وسیعی از مردم ایران طی شش سال حاکمیت خاتمی و جبهه دوم خرداد، در دوره‌ای که اکثریت کرسی‌های مجلس و وزارتخانه‌ها را در اختیار داشتند، ماهیت واقعی پروژه‌های خاتمی و تقابل و ضدیت این پروژه‌ها و سیاست‌ها را با ابتدایی‌ترین خواسته‌های خود دریافته‌اند. اما امروز میزان شرکت مردم در این انتخابات برای جبهه اصلاح‌طلبان و جمهوری‌خواهان تنها اهمیتش در این است که اینها بتوانند مشروعیت جمهوری اسلامی و مشروعیت مکانیسم انتخابات در این نظام را به دولت‌های غربی ثابت کنند و از این راه مقبولیت استراتژی سیاسی و راهکارهای خود را برای اصلاح این رژیم به آنها نشان دهند.

اگر درگذشته و در مقطع انتخابات‌های پیشین جبهه اصلاحات با هدف به عقب راندن محافظه‌کاران عمدتاً به توهم و خوشباوری مردم نسبت به برنامه و پروژه‌هایشان متکی بودند، در شرایط امروز که این توهومات اولیه فرو ریخته است، از یک طرف به سیاست فعالانه‌تر دولت‌های اروپایی در قبال جمهوری اسلامی با هدف اصلاح و مطیع کردن این رژیم در راستای منافع سیاسی و اقتصادی‌شان کمر بسته‌اند و از سوی دیگر این واقعیت که پراگماتیست‌های جناح محافظه‌کار نیز برای سبک کردن بار بحرانی که سرتاپای اقتصاد ایران را

فرا گرفته است، در جهت تطبیق دادن خود با سیاست‌ها و پروژه‌های قدرت‌های غربی تلاش می‌کنند و در این راستا نه تنها حاضرند پیش شرط‌های اقتصادی این نزدیکی را فراهم آورند، بلکه آماده‌اند تا امتیاز سیاسی هم بدهند، جبهه اصلاح‌طلبان را در داخل و خارج در تعقیب نقشه‌هایشان مصرتر کرده است.

این روزها یکی از این بازیهای دیپلماتیک که به نام پراگماتیست‌های جناح محافظه‌کار ثبت شده است، اعلام آمادگی جمهوری اسلامی بود برای امضای ضمیمه الحاقی پروتکل منع تولید سلاح‌های اتمی، مطابق تعهدات رژیم اسلامی، کارشناسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌توانند در هر زمان و هر مکانی از ایران که خواستند بازرسی بعمل آورند. این بخش از محافظه‌کاران دیگر نمی‌خواهند در پروسه صلح خاورمیانه کارشکنی کنند و یا بدلیل رابطه‌شان با القاعده و حضور شماری از فعالین و عوامل وابسته به این سازمان در ایران، ابزار نگرانی و خشم دولتمردان آمریکا را فراهم آورند. آنها در همان حال برای گسترش و تحکیم مناسباتشان با دولت‌های اروپایی تلاش می‌کنند. پراگماتیست‌های جناح محافظه‌کار در این روزها با این هدف که بتوانند بخشی از آرای چهل میلیونی را به پای صندوق‌ها بکشانند، فساد مالی و مافیای بنیادهای خیریه مذهبی وابسته به جناح محافظه‌کار را آماج حملات تبلیغاتی خود قرار داده‌اند.

جبهه اصلاح‌طلبان هم به این واقعیت امید بسته و دل‌خوش کرده‌اند که این روزها تلاش‌هایشان برای ایجاد پاره‌ای اصلاحات در نظام جمهوری اسلامی در جهت پاسخگویی به نیازهای بورژوازی ایران در این دوره از پشتوانه بین‌المللی بهره‌مند است. ائتلاف اصلاح‌طلبان که زمانی نگران آن بودند که آمریکا ظرفیت و توانائی آنها برای اصلاح جمهوری اسلامی را نادیده گرفته و سیاست لشکرکشی نظامی و عراقیزه کردن ایران را در پیش گیرد،

اما این روزها خوشحالند از اینکه فشارهای آمریکا موجبات فعال شدن سیاست دولت‌های اروپایی در قبال جمهوری اسلامی را فراهم آورده است. برای جبهه جمهوری‌خواهان و کلا اصلاح‌طلبانی که در بیرون دایره حاکمیت قرار دارند اهمیت انتخابات مجلس هفتم در پاسخگویی به این سؤال نهفته است که آیا در شرایطی که اصلاح‌طلبان درون حاکمیت دچار بحران و سردرگمی شده‌اند و بویژه بعد از واقعه اهدای جایزه صلح نوبل به خانم شیرین عبادی، جمهوری اسلامی به آنها این فرصت را می‌دهد که در انتخابات شرکت کنند؟ آیا دولت‌های غربی که با اهدای جایزه صلح نوبل به شیرین عبادی در واقع ناامیدی خود را از عجز و ناتوانی اصلاح‌طلبان درون حاکمیت به نمایش گذاشتند و به جنبش اصلاحات بیرون حکومت چراغ سبز نشان دادند در این رابطه چه نقشی ایفا می‌کنند؟

به دلیل وجود این فاکتورها و وجود سوالات پاسخ نگرفته است که اگر تا دیروز بخشی از اصلاح‌طلبان، محافظه‌کاران را به بیرون آمدن از حاکمیت و تحریم انتخابات تهدید می‌کردند، و بخشهایی از آنان ایجاد تغییرات ساختاری در نظام اسلامی را پیش شرط شرکت در هر انتخاباتی اعلام می‌کردند، و بخش‌ها شعار جمهوریخواهی را برافراشتند، این روزها همگی در یک ائتلاف عملی برای گرم کردن بازار انتخابات گرد آیند و در گفتگوها و مذاکرات پشت پرده چگونگی آرایش و چگونگی شرایط شرکت در انتخابات را مورد بررسی قرار دهند.

این انتخابات علیرغم هر اهمیتی که برای اصلاح‌طلبان بورژوا داشته باشد با بی‌اعتنایی جبهه کارگران آگاه و مردم آزادیخواه روبرو خواهد شد. کارگران آگاه، زنان و مردان آزادیخواه در این نمایش انتخاباتی که طی آن در بهترین حالت تنها چگونگی آرایش جبهه بورژوازی برای یک دوره دیگر استثمار و زیر پا نهادن ابتدایی‌ترین حقوق انسانی تعیین می‌شود شرکت نخواهند کرد.

شرکت در انتخابات در نظامی که هر گونه ندای آزادیخواهانه را با

خسونت و زندان و شکنجه پاسخ می‌گوید، در نظامی که هیچ نوع باور و اندیشه‌ای غیر از افکار کهنه و پوسیده مذهبی را به رسمیت نمی‌شناسد، در نظامی که با آزادی بیان و مطبوعات و آزادی فعالیت سیاسی احزاب بیگانه است، هیچ مفهومی جز مشروعیت دادن به این نظام و مشروعیت دادن به این بی‌حقوقی‌ها ندارد.

## صلاح مازوجی



## جهان امروز

## سیاسی، خبری

سردبیر:

هلمت احمدیان

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال دارید.

ha@cpiran.org

– «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

– استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

– مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

– جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

– مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴۱ با سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken F-S  
53682990054

## «رفراندوم» برای بازنگری قانون اساسی!

هلمت احمدیان

### تلاشی عبث، فریبی دیگر!

زبان دیگر استحال به شیوه مسالمت آمیز و قانونی می‌طبد و به این اعتبار همسو و همنظرند. همگی بر این امر واقفند که بورژوازی ایران بایستی خود را با نیازهای بازار جهانی تطبیق دهد، بدون اینکه این جریان به انقلاب و رشد جریانات رادیکال اجتماعی منجر شود.

«بازبینی قانون اساسی» از طریق رفراندومی که مجری آن همین نظام است و ضمانت اجرایی عملی شدن نتیجه آن هم لابد سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات خواهند بود، چنانچه به فرض محال عملی هم بشود، نتیجه آن از قبل معلوم است. کسانی که علیرغم اینکه رئیس جمهور منتخب خود را داشتند، دولت و قوه مقننه را پشت سر داشتند، اکثریت کرسی‌های مجلس ششم را در اختیار داشتند و دارند و با همه این احوال حتی قادر به اصلاح «لایحه مطبوعات» و «اختیارات رییس جمهور» نشدند، ضمن اینکه مضحک و بی‌شرمانه است، تلاشی عبث است که برای فریبی دیگر صورت می‌گیرد.

مردم به ستوه آمده، توهمی به این پوشش جدید برای تظہیر رژیم ندارند. این تلاش و همه راهکارهای ریاکارانه دیگر این جنابان، دیگر رنگ و جلایی برای این مردم ندارد. باید ضمن تشویق مردم برای عدم شرکت در این به اصطلاح انتخابات، صدای اعتراض خود را به کل موجودیت رژیم بلند کرد.

میکند به صف شرکت‌کنندگان در انتخابات پیوسته‌اند و به‌ررو انتظار بارور شدن اصلاحات را در نرم‌های موجود فعلی دارند. منطق این موضع‌گیری که می‌توان آن را بازتاب گرایش راست طیف اصلاح‌طلبان و لیبرال‌ها نام برد، نه از سر توهم به کسب موقعیتی بهتر از گذشته در مجلس هفتم، بلکه بخاطر این است که بازی با تاکتیک‌های همچون تحریم را با هر نیتی اتخاذ شود، همچون بازی با آتش می‌پندارند که می‌تواند به ضد خود تبدیل شود.

گرایشی دیگر این طیف که در این بحث "چپ" می‌نمایند و مورد نظر این نوشته هم هست، بعکس ادامه بازی در زمین محافظه‌کاران را، بستری برای رویگردانی بیشتر مردم از راه‌حل‌های آنها و زمین‌های برای رشد اعتراضات متکی بخود، توده مردم می‌بیند. این گرایش با توجه به اینکه مردم هر روز بیشتر از کانال‌های قانونی برای پیشبرد مقاصد خود رویگردان می‌گردند، با طرح مسئله رفراندوم به زبانی دیگر لزوم متکی شدن به کانال‌های قانونی را یادآوری میکند، تاکتیکی که البته هیچ خاصیت عملی هم ندارد.

در عالم واقع تفاوت استراتژیکی‌ای در بین گرایشات اپوزیسیون بورژوازی رژیم وجود ندارد. هم طرفداران شرکت در مضحکه انتخابات و هم طرفداران تحریم در بین آنها، قلبشان برای استراتژی سرعقل آوردن رژیم یا به

فراهم می‌گردد و چگونه می‌توان چنین شرایطی را متحقق کرد؟

طرح این شعار تنها نشانه سردرگمی و نداشتن هیچ نوع استراتژی روشنی از جانب اینگونه اصلاح‌طلبان است. آنها می‌خواهند با طرح این شعار بی‌خاصیت در واقع بن بست و انفعال سیاسی خود را از چشم مردم پنهان نگاه دارند. طرح این شعار که ظاهری فریبنده و گویا بسیار دمکراتیکی هم دارد، چیزی جز کسب فرصت برای یافتن راهی در جهت خروج از بن‌بست نیست. مهمترین دلیل طرح این مسئله بن بست محرز راه‌حل‌های دیگر اصلاح‌طلبان و شکست پروژه موسوم به دوم خرداد در پاسخگویی به مسائلی است که آنها فرا روی خود قرار داده بودند. غیر از این در عمل برای اصلاح‌طلبان و لیبرال‌های خارج و داخل حاکمیت، در شرایطی که با وجود قانون "نظارت استصوابی از جانب شورای نگهبان"، و حکمیت "مجمع تشخیص مصلحت نظام" و .. میدان بسیار محدودی برای مانور وجود دارد. همچنین مردم با رویگردانی خود در انتخابات ۹ اسفند سال گذشته نشان دادند، که دیگر اعتماد زیادی برای استفاده از نمایشات "انتخاباتی" و اظهار وجود در مضحکه‌هایی از این نوع ندارند.

و در این اوضاع و احوال است، که سیاست «تحریم» به تنهایی، نیز که از طرف طیف‌هایی از اصلاح‌طلبان زمره می‌شود و ریشه‌اش را از دلزدگی و بی‌اعتمادی مردم به همه جناح‌ها و دسته‌بندی‌های درون رژیم می‌گیرد، به تنهایی نمی‌تواند منافع آنها را نمایندگی کند. چرا که تحریم صرف، قبل از اینکه به ابزاری در راه تحقق اهداف جناح‌ها و گرایشات درون و بیرون حاکمیت تبدیل شود، می‌تواند به ضد خود و رشد مبارزات توده‌ای در مقابل رژیم بینجامد.

در مقابل این بن بست دو نوع راهکار خود را می‌نمایند. اکثریت اصلاح‌طلبان ضمن اینکه شرط و شروطهایی برای حفظ ظاهر، طرح

زمزمه بحث «رفراندوم» از طرف طیف‌هایی از جمهوریخواهان در آستانه «انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی» می‌رود که به آلت‌ناتیو جدیدی برای بخش‌هایی از آنها تبدیل گردد. این "راهکار" ظاهراً از اینجا ریشه می‌گیرد، که نه دعوت به تحریم و نه شرکت (فعال یا غیرفعال) در "انتخابات" در اوضاع کنونی حربه‌ای کارساز برای نجات اصلاح‌طلبان از بن بست است که در آن گرفتارند، نیست. مضافاً اینکه سیاست «تحریم» از جانب اپوزیسیون بورژوازی رژیم - که طبعاً از موضع ناامیدی بخاطر ندادن مجال و میدان برای ابراز وجود به آنها است - چه بسا اوضاع را می‌تواند از دید آنها خطرناک و غیرقابل کنترل کند.

توضیح طراحان این فرمول "جدید"، یعنی تحریم انتخابات و تبدیل آن به رفراندومی برای بازنگری قانون اساسی، این است که تلاش برای اصلاح رژیم به بن بست رسیده است و ریشه این بن‌بست هم در عدم اجرا یا اشکالاتی است که در قانون اساسی موجود است! پس این قانون باید بازنگری شود و مردم را باید برای این امر بسیج کرد.

تا آنجا به «رفراندوم» و هم‌پرسی برمی‌گردد، این مسئله امر تازه‌ای نیست و قبلاً هم به مناسبت‌های مختلف به عنوان "راه حلی" برای خروج از بن بست برنامه‌های اصلاح‌طلبان طرح گردیده است، ولی نه در گذشته و در مورد اخیر هیچگاه از طرف طرفداران و خواستارانش روشن نشده است که چگونه و از چه راهی می‌توان رژیم را وادار کرد که به پای برگزاری رفراندومی برود که کل موجودیت خود را نفی کند. پوج بودن و عوامفریبانه بودن این شعار وقتی روشن می‌شود که در واقع از رژیم می‌خواهند، خود داوطلبانه کنار بروند! اگر چنین نیست بایستی روشن کنند که این چه شرایطی است که در آن امکان برگزاری یک رفراندوم آزاد

دفتر نمایندگی کومه‌له

در خارج کشور

K.K. P.O.Box 75026

Box 750 26 Uppsala- Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

E-mail: [komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

[komalah@komalah.org](mailto:komalah@komalah.org)

آدرس‌های

حزب کمونیست ایران

و کومه‌له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I. Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

کمیته خارج کشور حزب

K.K.H.K Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

E-mail: [kkh@cpiran.org](mailto:kkh@cpiran.org)

## ۱۶ آذر، روز مبارزه علیه جمهوری اسلامی و سلطنت طلبان

بهرام رحمانی

شد و دست به مبارزه اجتماعی زد تا به خواسته‌ها و مطالبات خود رسید. دانشگاه‌های ایران، امروز رنگ باخته‌اند! استادان خسته و گاه فرسوده، دانشجویان ناامید و سرخورده، کیفیت آموزشی ضعیف، تحقیقات ناچیز، منابع مالی ناکافی، نظام به شدت دولتی و سیاسی، مشکلات معیشتی اکثر استادان و دانشجویان و بازارکاری که نه توان استفاده بهینه از استادان را دارد و نه جایی برای دانشجویان. گویی امروز، ورود جوانان از آموزش متوسطه به دانشگاه‌ها، افتادن از چاله به چاه است. در جهان امروز، اقتصاد دانش‌بر عمدتاً سرچشمه در دانشگاه‌های قوی و استادان و دانشجویان ماهر دارد. اما اقتصاد ما هم چنان متکی به نفت است و ایران حتی جزو ۵۰ کشور علمی جهان محسوب نمی‌شود و بدتر آن که، نسبت هیات علمی تمام وقت در کشور در حال کاهش است! (۲)

رژیم جمهوری اسلامی، در ۲۵ سال حاکمیت غیرانسانی خود همواره تلاش کرده است که زنان را خانه نشین کند و آنان را از محیط‌های اجتماعی و فرهنگی دور سازد، اما موفق نشده است. دلیل آن اعتراض و مبارزه زنان است که سیاست‌های آپارتاید جنسی رژیم را به شکست کشانده است. در سال‌های اخیر آمار دختران دانشجو در اکثر رشته‌های دانشگاهی، بیشتر از پسران است. این مسئله به یک کابوس بزرگی برای سردمداران ضد زن جمهوری اسلامی تبدیل شده است. چرا که با ورود زنان تحصیل کرده به بازار کار، تعادل افکار ارتجاعی مردسالاری و مذهبی را در جامعه فرو می‌ریزد. از این رو رژیم جمهوری اسلامی، به فکر این افتاده است که جلو ورود بیشتر دختران و زنان دانشجو به دانشگاه‌ها را بگیرد.

در این راستا موضوع سهمیه‌گذاری جنسیتی وقتی سر و صدا کرد که در دفترچه انتخاب رشته برای سال تحصیلی ۸۳-۸۲، جلو نام سه رشته از پرتعدادترین گروه‌های آزمایشی علوم تجربی یعنی پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی، قید ۵۰ درصد جنس زن و ۵۰ درصد جنس مرد دیده شد و دختران شرکت‌کننده در

عبدالکریم سروش و دکتر صادق زیبا کلام، عضو طراحان انقلاب فرهنگی بودند. زیبا کلام، چند سال پیش در مصاحبه‌ای با هفته‌نامه «جوان» گفت: «امیدوارم خداوند از گناهان من بگذرد. من به خاطر نقشی که در جریان بسته شدن دانشگاه‌های ایران در سال ۱۳۵۹ داشتم، امروز طلب استغفار می‌کنم. در آن روزها فکر می‌کردم دارم خدمت می‌کنم. اما امروز که نوشته‌های آن هنگام خود را مطالعه می‌کنم، می‌بینم جز شعارهایی پوچ مطلب دیگری نداشتم. انقلاب فرهنگی یک کار غلط بود و به ایران پاسسازی دانشگاه‌ها، سبب شد که



دوره طولانی اعتراض جدی در دانشگاه‌ها صورت نگیرد. این رکود تا سال ۱۳۷۸، طول کشید. اقدام دانشجویان در ۱۸ تیر ۱۳۷۸، رخوت و بی‌صدایی در دانشگاه‌ها را که محصول اختناق بود که از سال‌های ۵۹ تا ۷۸، در دانشگاه‌ها و کل جامعه حاکم بود، شکست. شش روزی که ایران را لرزاند و افکار عمومی جهان را یک بار دیگر در سطح وسیعی متوجه وقایع ایران نمود. دانشجویان نیز همانند دیگر اقشار تحت ستم جامعه جانشان به لب شان رسیده است و طبیعی‌ست که با مبارزه و اعتراض و اعتصاب و راهپیمایی مطالبات خود را به رژیم تحمیل کنند. رژیمی که غیر از زبان زور و کشتار زبان دیگری سرش نمی‌شود، باید در مقابل آن متحد و متشکل

مزبور در کلاس درس و مشاجره با استادشان که به ورود او به محل درس معترض بود، از کلاس بیرون می‌آیند و علیه حضور نظامیان در دانشگاه اعتراض می‌کنند. در همین اوان نظامیان دانشجویان را تعقیب می‌کنند و در سرسرا و سالن دانشکده فنی آنها را با مسلسل به گلوله می‌پندند که در نتیجه سه تن از دانشجویان به نام‌های مصطفی بزرگنیا، مهدی شریعت رضوی و احمد قندچی کشته می‌شوند، عده‌ای نیز مجروح می‌گردند. (۱)

واقعاً ۱۶ آذر ۱۳۳۲، به عنوان یک روز تاریخی در تاریخ دانشگاه تهران و جنبش دانشجویی ایران ثبت شد. از آن تاریخ دانشجویان دانشگاه‌های ایران، به یاد دانشجویان جان‌باخته و برای زنده نگاه داشتن سنت‌های چپ و رادیکال و پیشرو جنبش دانشجویی، در مقطع ۱۶ آذر مراسم مختلفی را برپا می‌کنند. پس از انقلاب ۱۳۵۷ نیز، جمهوری اسلامی با سرکوب خونین انقلاب، دانشگاه‌ها را تحت عنوان «انقلاب فرهنگی»

تعطیل کرد تا با خیال راحت پاسسازی استادان و دانشجویان آزادیخواه، چپ و کمونیست را عملی سازد. در بستن دانشگاه‌ها دانشجویانی که دست به مقاومت زدند، بی‌رحمانه سرکوب، زندانی و اعدام شدند. زمانی که دانشگاه‌ها در سال ۶۰-۱۳۵۹، بسته شد، تعداد دانشجویان ۱۷۴۲۱۷ نفر بود. اما هنگامی که دانشگاه‌ها در سال تحصیلی ۶۲-۱۳۶۱، مجدداً بازگشایی شدند تعداد دانشجویان به ۱۱۷۱۴۸ نفر تنزل یافته بود. یعنی ۵۷۰۶۹ دانشجو که حدود یک سوم دانشجویان بودند از دانشگاه‌ها اخراج، زندانی، اعدام و یا فراری شده بودند. این رقم در مورد استادان دانشگاه‌ها به مراتب تکان‌دهنده‌تر است: زیرا بیش از نصف استادان دانشگاه‌ها اخراج شدند.

بدنبال کودتای رژیم دیکتاتوری پهلوی، با حمایت و پشتیبانی آمریکا و انگلستان، دانشجویان به مبارزه برخاستند و بر علیه رژیم کودتا دست به اعتراض زدند. روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲، بیش از دو هزار دانشجو، در سه منطقه تهران، خیابان ولی عصر، چهار راه قوام‌السلطنه و خیابان فردوسی دست به تجمع اعتراضی زدند و با به وجود آوردن راه‌پیمایی اعلامیه‌هایی را نیز بر علیه رژیم کودتا پخش کردند. ماموران فرمانداری نظامی و چاقوکشان دولتی به سرمداری شعبان جعفری، به دانشجویان معترض حمله کردند و تعداد بی‌شماری از دانشجویان در این حمله زخمی شدند. دو روز قبل از این واقعه سرلشکر نادر باتمانقلیچ، رئیس ستاد ارتش، در اجتماع افسران در آمفی تئاتر دانشکده افسری گفت: «اگر قرار باشد، که ما ۱۴ میلیون را بکشیم، می‌کشیم، تا بر یک میلیون نفر حکومت کنیم».

تظاهرات دانشجویان دانشگاه تهران، به عنوان اعتراض، به ورود دنیس رایت، کاردار جدید سفارت انگلیس در ایران، از روز ۱۴ آذر ۱۳۳۲ آغاز گردید. دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم سیاسی، علوم، دندانپزشکی، فنی، پزشکی و داروسازی در دانشکده‌های خود تظاهرات پرشوری علیه رژیم کودتا و مقاصد آن برپا کردند. روز ۱۵ آذر ماه تظاهرات به خارج از دانشگاه کشیده شد و ماموران انتظامی، در زد و خورد با دانشجویان، شماری را مجروح و گروهی را دستگیر و زندانی کردند.

روز دوشنبه ۱۶ آذر، تعداد سربازان در داخل دانشگاه افزایش یافت. پیش از ظهر آن روز بین دانشجویان دانشکده‌های حقوق و علوم و ماموران فرمانداری نظامی، برخوردی روی داد ولی در دانشکده فنی، به علت حضور یکی از گروه‌بانان در سر کلاس، برای دستگیری دانشجویانی که شعار داده بودند، کار به خشونت کشید. دانشجویان با مشاهده گروهان

این رشته‌ها را به شدت نگران کرد. میزان شرکت‌کنندگان دختر و پسر در کنکور امسال به ترتیب ۶۱ و ۳۹ درصد بوده است. (۳)

دکتر حسین رحیمی، رییس سازمان سنجش، درباره طرح پذیرش جنسیتی گفت: «ایجاد محدودیت ۵۰ درصدی در پذیرش دختران، جبران‌کننده مشکل سربازی داوطلبان پسر خواهد بود». وی تصریح کرد: «در حال حاضر در بعضی رشته‌ها پذیرش داوطلبان دختر به بیش از ۷۰ درصد رسیده است؛ در حالی که سقف پذیرش جنسی در این رشته‌ها لحاظ شود، نه تنها باعث حفظ تعادل در هرم جنسی دانشگاه‌ها می‌شود، بلکه نوعی توازن جنسی در رشته‌های تحصیلی و تعداد دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها به وجود می‌آورد». یا رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب تهران، اختصاص برخی رشته‌ها را به داوطلبان پسر، برای ایجاد تعادل در هرم جنسی دانشگاه‌ها را خواستار شده است. دکتر احمد شاهورانی گفته است: «با توجه به آن که تقسیم ظرفیت پذیرش ممکن است باعث بروز مشکلات اجرایی در آزمون سراسری شود، بنابراین اختصاص برخی رشته‌ها به پسران و ایجاد رشته‌های جدید ویژه مردان متناسب با نیازهای جامعه بهترین راهکار در اصلاح هرم جنسی دانشگاه‌هاست» (۴)

از سوی دیگر نتایج یک نظرسنجی نشان می‌دهد که یک سوم دانشجویان کشور علاقه‌ای به رشته تحصیلی خود نداشته و حتی برخی با بی‌میلی و عدم رغبت شخصی، در دانشگاه‌ها تحصیل می‌کنند. همچنین ۸۱ درصد از دانشجویان هیچ تصویر روشنی از آینده شغلی خود ندارند. دو پنجم دانشجویان در دانشگاه احساس امنیت نمی‌کنند. این نظرسنجی که توسط سازمان ملی جوانان ایران و براساس یک نمونه ۴۰۰۹ نفری از دانشجویان ۲۸ مرکز استان کشور صورت گرفته است، حاوی نتایج تکان‌دهنده‌ای از وضعیت جوانان دانشجوی و نگرش آنان به مسایل مختلف موجود در جامعه است. برای مثال، ۳۹ درصد دانشجویان بر این باورند که توانایی علمی اساتید در سطح مطلوبی نیست و ۷۲ درصد نیز محتوای



درسی رشته‌های تحصیلی را عامل افت کیفی دانشگاه‌ها می‌دانند. از طرفی، نه تنها داوطلبان ناموفق کنکور، بلکه بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌ها نیز آزمون‌های کنونی گزینش دانشجو را معیار خوبی برای ورود به دانشگاه نمی‌دانند. نتایج شغلی ناشی تحصیلاتی دانشگاهی نیز چنان نیست که بتواند دانشجویان را به تحصیلات خود دل‌گرم کند. گروهی از دانشجویان نقش دانشگاه‌های غیردولتی را در گسترش آموزش عالی موثر می‌دانند، اما بیش از ۷۰ درصد آنان بر این باورند که دانشگاه‌های غیردولتی عمدتاً در پی اهداف مالی خود هستند. لازم به تاکید است که علی‌رغم تفاوت‌هایی در نگرش دانشجویان دختر و پسر در این نظرسنجی، هر دو گروه نگرش منفی به عملکرد ارگان‌های رژیم دارند. بدین ترتیب سردمداران رژیم در حالی که از رشد و توسعه و سازندگی سخن به میان می‌آورند، در واقع دانشگاه‌ها را نیز مانند دیگر عرصه‌های جامعه به مرز تباهی و بحران‌های اجتماعی کشانده‌اند. جمهوری اسلامی، به جای این که معضلات و مشکلات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و مسئله اشتغال فارغ‌التحصیلان را حل کند، تنها راه را در جلوگیری از ورود بیشتر دختران دانشجوی به دانشگاه‌ها می‌داند. امکانات علمی و تحقیقی دانشگاه‌ها بسیار کم است. کتاب‌های درسی عقب‌مانده و عموماً آلوده به خرافات مذهبی است. مهم‌تر از همه دانشجویان باید فضای آزاد و راحت داشته باشند تا با فراغت و بدون دغدغه به تحصیل بپردازند. در حالی که در حاکمیت جمهوری اسلامی، اکثریت دانشجویان، از خانواده تا جامعه، از ارگان‌های رژیم تا محیط دانشگاه، به طور مداوم تحت فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارند و در سترس دائمی به سر می‌برند. این وضعیت مانع شکوفایی خلاقیت‌های واقعی جوانان و دانشجویان می‌شود. بی‌جهت نیست که در حاکمیت جمهوری اسلامی،

چهار میلیون معتاد وجود دارد که تعداد بیشتری از آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند. جوانانی که پر از آرزوی‌های سرکوب شده و عقده‌های اجتماعی‌اند.

جمهوری اسلامی، در حالی که بیش‌ترین بودجه کشور را به خرید و تولید سلاح‌های کشتار جمعی و باز تولید خرافات مذهبی اختصاص می‌دهد و هشتاد درصد مردم ایران را با فقر و فلاکت روبرو ساخته و به خاک سیاه نشانده است، از جمله بودجه بسیار ناچیزی به آموزش و پرورش و بهداشت و درمان اختصاص داده است. برای مثال اخیراً روابط عمومی وزارت بهداشت اعلام کرد: «بهداشت و درمان کشور با ۲ هزار و ۴۴۰ میلیارد ریال کسری اعتبار مواجه است». متأسفانه در شرایط بد اقتصادی و فقر و فلاکت، حتی بسیاری از دختران دانشجوی، برای ادامه تحصیل و تامین زندگی خود به تن‌فروشی وادار شده‌اند. خودکشی دانشجویان افزایش یافته است. این فاجعه اجتماعی شاید در بسیاری از کشورهای جهان بی‌سابقه باشد. بسیاری از دانشجویانی که از خانواده‌های کارگری و فقیر می‌آیند به دلیل عدم تامین شهریه و دیگر مایحتاج خود مجبور به ترک تحصیل می‌شوند. بیکاری فارغ‌التحصیلان بسیار بالاست. حتی هزاران دکتر و پرستار بیکار است، در حالی که مناطق محروم کشور، نیاز مبرم به پزشک و پرستار دارند.

در چنین شرایطی باید سالگرد شانزده آذر ۱۳۸۲ را به احیای سنت گرایش آزادیخواه، پیشرو و چپ ضدسلطنت و ضدجمهوری اسلامی در دانشگاه‌های ایران تبدیل کرد. دانشگاه‌های ایران، سنت قوی در تقویت گرایش‌های چپ و آزادیخواه دارند. دانشگاه‌ها، به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد و کشتار دانشجویان در ۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲، به مرکزی علیه رژیم سلطنتی تبدیل شدند. دانشجویان بخش آگاه جامعه و سازندگان و مجریان فدای مسایل اقتصادی،

سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه هستند. بنابراین دانشجویان وظیفه اجتماعی دارند که به مخالفت با سانسور و اختناق و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی برخیزند؛ بدون قید و شرط از آزادی‌های فردی و اجتماعی و برابری زن و مرد دفاع کنند؛ خواهان آموزش و پرورش و بهداشت و درمان رایگان شوند؛ خواهان جدایی کامل دین از دولت و آموزش و پرورش شوند؛ خواهان تساوی حقوق دانشجویان پسر و دختر در همه عرصه‌های اجتماعی شوند؛ به طور مداوم برای آموزش بهتر با کیفیت بالا و امکانات تحصیلی مکفی و رفاه دانشجویان مبارزه کنند؛ به فکر زیست و زندگی عمومی جامعه باشند و سرانجام برای رسیدن به خواسته‌ها و مطالبات خود، جنبش خود را با جنبش کارگری پیوند دهند. تنها از طریق مبارزه متشکل سراسری طبقاتی می‌توان رژیم را وادار به پذیرش خواسته‌های رفاهی و سیاسی و اجتماعی کرد و در موقعیت بهتر و مناسبتری برای برداشتن گام‌های اساسی و سرنوشت‌ساز و برکناری رژیم جمهوری اسلامی برداشت.

دانشجویان برخی از دانشگاه‌های کشور، از جمله دانشگاه تهران اعلام کرده‌اند که روز ۱۶ آذر دست به راهپیمایی خواهند زد. مدیرکل سیاسی انتظامی تهران، درباره این درخواست دانشجویان اعلام کرد: «براساس سیاست کلی استانداری و وزارت کشور، هیچ مجوزی برای برگزاری مراسم دانشجویی ۱۶ آذر در خارج از دانشگاه صادر نمی‌شود. علی‌تعالی گفت: «در صورتی که گروه یا طیفی خواهان برگزاری برنامه در مکان‌های سرپوشیده که براساس قانون مجوزش توسط استانداری صادر نمی‌شود باشد باز هم مسئولان این‌گونه مکان‌ها از استناداری استعلام و بعد با توجه به نتیجه آن استعلام‌ها نسبت به برگزاری مراسم اعلام نظر می‌کنند» (۵)

بدین ترتیب جمهوری اسلامی، از اینکه اعتراض دانشجویان در خیابان‌ها به یک حرکت توده‌ای علیه رژیم تبدیل شود، ترس دارد. از این رو تلاش می‌کند از طریق انجمن‌های اسلامی و جریان ورشکسته

## گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری

### گزارشی از ادامه اعتراض کارگران صنایع پتروشیمی اراک، اصفهان، آبادان و خارک

جمعی از کارگران پتروشیمی آبادان در ادامه اعتراض خود علیه خصوصی‌سازی اعلام کردند: صحیح نیست بدون رضایت و به همراه تجهیزات و ماشین‌آلات به بخش خصوصی فروخته شویم.

عنایتی، یکی از نمایندگان کارکنان معترض پتروشیمی آبادان که برای پیگیری خواسته کارکنان به همراه ده نفر دیگر به وزارت نفت مراجعه کرده‌اند در گفتگو با ایسنا گفت: «پتروشیمی آبادان از سال ۱۳۷۳ به بخش خصوصی واگذار شده و پس از آن به سودآوری رسیده به طوری که سال گذشته شش میلیارد تومان عواید و سود خالص داشته است». وی گفت: «منفک کردن ۷۳۰ نفر از کارکنان این واحد از بدنه وزارت نفت به بهانه خصوصی‌سازی موجب نگرانی و نارضایتی کارکنان شده، زیرا تضمینی برای ادامه کار وجود ندارد. از سوی دیگر تعدادی از کارکنان شرکت پتروشیمی آبادان، اصفهان، خارک و اراک با حضور در مجلس شورای اسلامی، نسبت به روند خصوصی‌سازی این شرکت‌ها و زیر پا گذاشتن حقوق کارکنان اعتراض کردند.

بنا به گزارش ایسنا، یکی از نمایندگان کارکنان مجتمع پتروشیمی اراک، گفت که هفت نفر از نمایندگان با حاج رضا آستانه، نماینده اسبق شهرستان شازند و معاون پارلمانی نفت ملاقات داشتند؛ ولی وی با بی‌توجهی و بی‌اعتنایی با نمایندگان برخورد کرده است و اظهار داشته که هیچ مشکلی وجود ندارد. همچنین معترضین از برخی فشارهای وارده شاکی بودند و اظهار داشتند که تحصن ما یک تحصن کاملاً صنفی است. معترضین نهایتاً تصمیم گرفتند که از شنبه (هشتم آذر ماه) به مدت سه روز اعتصاب غذا داشته باشند و در روز سه شنبه (۱۱ آذر ماه) بار دیگر در سالن آمفی‌تئاتر تجمع کنند.

بنا به گزارش سایت «بازتاب»، ظهر روز دوشنبه (نهم آذر ماه)، بیش از هزار نفر از کارکنان پتروشیمی اراک، با حضور در رستوران این مجتمع در اعتراض به بی‌توجهی به خواسته‌های خود از سوی مدیریت پتروشیمی و وزارت نفت، از گرفتن غذا خودداری کرده و غذای پتروشیمی را به بهیستی اراک فرستادند. کارکنان پتروشیمی با کوبیدن ظروف خالی به میز، اعتراض خود را ادامه دادند. گفته می‌شود، از سوی نیروهای امنیتی به کارکنان پتروشیمی اراک هشدار داده شده بود که از استفاده از شیوه‌های دیگر اعتراض خودداری کنند. و اعتراضات آن‌ها به اعتصاب غذا منحصر بماند.

یکی از نمایندگان معترضان با ارسال پیامی به سایت «بازتاب» خبر داده است: کارکنان پتروشیمی اراک به دنبال اعلام اعتصاب غذا به مدت سه روز در رستوران مجتمع، جمع می‌شوند و بدون گرفتن غذا با کوبیدن ظروف خالی بر هم، اعتراض خود را اعلام می‌نمایند. تعداد کارکنان که در رستوران جمع می‌شوند بیش از تعداد نفرات تجمعات قبلی است و این نشانگر آمادگی آن‌ها برای کارهای عملی است.

در پایان این گزارش آمده است: حدود ۱۰۰۰ نفر از کارکنان شرکت، روزهای شنبه و یکشنبه (نهم آذر) در رستوران جمع شدند و تا روز دوشنبه نیز ادامه داشت و از طرف مقامات مسئول هیچ پاسخ و واکنش مناسبی مشاهده نشده و به نظر می‌رسد که گوش شنوایی برای شنیدن فریاد این کارکنان به غیر از نیروهای امنیتی وجود ندارد و آن‌ها با فراخوانی به نمایندگان کارکنان، از آن‌ها می‌خواهند که کارکنان را کنترل کنند.

لازم به یادآوری است که اعتراض و اعتصاب کارگران پتروشیمی آبادان، اراک، اصفهان و خارک همچنان ادامه دارد.

⇒ موسوم به «دوم خرداد» و «دفترتحکیم وحدت»، حرکت دانشجویان را در روز ۱۶ آذر، به برگزاری مراسم در سالن‌های سرپوشیده و درون دانشگاه محدود سازد. در چنین وضعیتی شکی نیست که دانشجویان آزادیخواه، پیشرو و چپ، سعی خواهند کرد تا با جدا کردن صف خود از انجمن‌های اسلامی و گرایش دوم خرداد، اعتراض خود را به خیابان‌ها بکشانند و با حمایت و پشتیبانی توده‌های محروم و تحت ستم، زنان، جوانان و کارگران، مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را بر این رژیم جانی تحمیل کنند.

همچنین دانشجویان با برگزاری مراسم اعتراضی ۱۶ آذر، این جنایت تاریخی رژیم دیکتاتوری پهلوی را به جامعه، به ویژه جوانان یادآوری می‌کنند تا طیف طرفداران احیای سلطنت در ایران، نتوانند از فراموشی حافظه تاریخی جامعه سوءاستفاده کنند. مسلماً حق طبیعی جوانان است که به تاریخ واقعی جنایات رژیم پهلوی آگاهی داشته باشند تا رادیو و تلویزیون‌های لوس‌آنجلسی سلطنت‌طلبان، با تبلیغات دروغین و غیرواقعی‌شان موفق به آلوده‌کردن افکار آن‌ها نشوند. مردمی که در سال ۵۷، رژیم دیکتاتوری سلطنتی را به گورستان تاریخ فرستادند، اکنون نیز خود را آماده می‌کنند تا

۲۸ نوامبر ۲۰۰۳

منابع:

- ۱- تاریخ ۲۵ ساله ایران، تالیف سرهنگ غلامرضا نجاتی، ص ۱۱۲
- ۲- ماهنامه اقتصاد ایران، شماره ۵۶، مهر ماه ۱۳۸۲
- ۳- مجله زنان، شماره ۱۰۳، مهر ۱۳۸۲
- ۴- همان منبع
- ۵- ایسنا، ۷ آذر ماه ۱۳۸۲



### چرا جمهوری اسلامی...

از صفحه ۸

نمیدهند. حال جمهوری اسلامی یا آمریکا، فرانسه و یا... باشد!

در حالیکه جمهوری اسلامی ایران در منجلا ب رکود و بحران مزمن اقتصادی فرو رفته است و فقر و بیکاری زندگی میلیون‌ها انسان را تهدید میکند و آن‌ها را به ورطه فلاکت کشانده است. تخصیص اعتبارات کلان به تولید سلاح‌ها و مهمات نظامی، نه تنها پایگاه اجتماعی نظام را مستحکم نیسازد بلکه در نزد توده های مردم نفرت برانگیز نیز هست و سرانجام این مردم، رهبران جمهوری اسلامی را بخاطر به باد دادن ثروت‌های این کشور در راه ماجراجوی‌های نظامی، به پای میز محاکمه خواهند کشاند.



دشمن فرضی براین باور است میتوان از آن بمنزله عامل تحرکی برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای استفاده نماید. بهمین جهت در تبلیغات مربوطه از بزرگ نمایی و قدر قدرتی خود کوتاه نمی آید.

از دیدگاه کارگران و توده‌های رنج‌دیده مردم ایران فعالیت‌های هسته‌ای ایران در زمینه تولید سلاح‌های اتمی قابل دفاع نیست. در پیشگاه وجدان و ضمیر آگاه این طبقه محروم و زحمتکش داشتن چنین سلاحی نه تنها مایه فخر و نشانه برازندگی و قدرت نیست، بلکه دارندگان آنرا در زمره دشمنان به کمین نشستهای میداند که هر زمان منافعشان به خطر افتد از کشتار جمعی انسانها ابایی بخود راه



## ۷۵ هزار کودک و نوجوان کارگر

### زیر ۱۵ سال در کردستان

و گفتند تا مدیرعامل کارخانه تعویض نشود حاضر به سر کار رفتن نیستند. معترضین، عمده دلایل اعتراض و تعطیلی کار خود را نقش دلال ایفاء نمودن مدیر کارخانه در دو مورد معامله و اخذ حق دلالی برای خرید و فروش، ایجاد رعب و وحشت و از بین بردن اعتماد به کارگران و تهدید افراد به اخراج و اقدام به آن در چندین مورد، رواج فرهنگ غیراخلاقی، استفاده شخصی از تمامی امکانات کارخانه، عدم ایجاد عدالت در پرداخت حقوق و مزایا و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در احکام کارگزینی و دستور پرداخت حق اضافه کاری در حد بالا برای افراد دلخواه خود که هیچ گونه کار مثبتی برای شرکت انجام نمی دهند، تقسیم منازل مسکونی به طور دلخواه خویش و رعایت نکردن عدالت و ضوابط در توزیع این منازل و واگذاری تعدادی از این منازل مسکونی به نهادها و دوایر دولتی، عدم پرداخت مزایای ۴۰ درصد ایام تعطیلی کاری، نامشخص بودن مبالغی از حقوق و مزایا کارگران که به عنوان صندوق رفاه کارگران در فیش حقوقی کسر گردیده و هیچ خبری از صندوق فوق وجود ندارد، اعلام نمودند.

### تجمع اعتراضی کارگران الکتریک رشت

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، کارخانه الکتریک رشت، چند روزی است که خط تولید خود را تعطیل و دستگاه های تولیدی اش از کارخانه خارج شده اند و سالن های تولیدی آن به شکل مخروبه درآمدند. در نتیجه جمعی از کارگران در اعتراض به این وضعیت، در محوطه کارخانه تجمع کرده اند.

قربانی رییس شورای کارگران شرکت الکتریک رشت، در تجمع کارگران معترض گفت: در رسانه ها اعلام می کنند ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار شغل ایجاد کرده ایم، در حالی که شغل ما را تخریب کرده اند. بسیاری از کارگران در سنین نوجوانی و جوانی در این جا مشغول به کار شده اند که بر اثر کار زیاد پیر و فرسوده شدند. ما حق کارگران را می خواهیم، اسناد و مدارکی داریم که اگر ارائه بدهیم یک حاکم عادل با دیدن آن حق را به ما می دهد. این شرکت اگر به بخش خصوصی واگذار شده، باید وضعیت سهام داران را مشخص کند.

قربانی در ادامه سخنانش افزود: تعداد پرسنل کارخانه ۱۱۰۰ نفر بوده که عده ای بازنشست شدند، عده ای شامل سختی کار شدند، اما بیش تر کارگران را به خاطر مشکلات موجود، باز خرید کردند و هم اکنون این کارخانه ۵۴۰ کارگر دارد. عده زیادی که باز خرید کردند، به آن ها وعده و وعید دادند و گفتند اگر این کار را حالا نکنند دو ماه از سال که قرار است به عنوان باز خریدی و بازنشستگی دریافت کنند، به یک ماه از سال تبدیل می شود و آن ها هم ترسیدند و این کار را انجام دادند. مدت ۸ تا ۱۰ ماه است که هیچ پولی دریافت نکرده اند و به آن ها چک داده اند، ولی هیچ پولی در حساب نیست و به جای پول هر ماه به آن ها فقط سود آن پول را می دهند.

یکی دیگر از کارگران به خبرنگار ایسنا گفت: مدت ۸ ماه است که بازنشست شده ام ولی پولی دریافت نکرده ام به من می گویند دهم بیا، سر برج بیا، می آیم، دو هزار تومان کرایه راه می دهم ولی هنوز پولی دریافت نکرده ایم به ما چک قلابی داده اند، ما چه بکنیم؟ چه راهی داریم؟ گرفتاریم، مستاجریم. همین امروز و فردا است که اثاثیه ما را از خانه بیرون بریزند. ۲۸ سال سابقه کار داریم فقط ۸۰ هزار تومان به من حقوق می دهند.

### ۲۸ هزار نفر بی کار در ساوجبلاغ و نظرآباد

حسن پور، رییس اداره کار و امور اجتماعی شهرستان های ساوجبلاغ و نظرآباد، ۱۱ آذر ماه ۱۳۸۲، به خبرگزاری کار ایران، گفت: افزایش جمعیت جوان و نیازمند شغل موجب رشد ۱۲ درصدی بی کاری شده و در حال حاضر بیش از ۲۸۰۰۰ بی کار در اداره کار این شهرستان ثبت نام نموده اند که مسلما آمار به این جا ختم نمی شود.

بنا به گزارش خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، ۵۷ هزار کودک و نوجوان زیر ۱۵ سال در کارگاه های استان کردستان به صورت غیرقانونی کار می کنند. ایرج بهرام نژاد دبیر اجرایی خانه کارگر استان کردستان، جمعیت زیر ۱۵ سال استان را ۵۷۰ هزار نفر اعلام کرد که ۱۰ درصد از این کودکان به صورت غیرقانونی مشغول به کار هستند. وی گفت: فقر حاکم بر کردستان، کودکان و نوجوانان را مجبور کرده تا کارهای سخت و زیان آوری را در مقابل دستمزدی ناچیز انجام دهند.

لازم به یادآوری است که مجلس پنجم کارگران کارگاه های زیر پنج نفر کارگر و مجلس ششم زیر کارگاه های زیر ده نفر کارگر را از شمول قانون کار خارج کردند که در اثر آن حدود سه میلیون کارگر که بیش تر آن ها کودکان هستند، از حقوق ناچیزی که در قانون کار داشتند نیز محروم شدند.

### کارگر اخراجی پمپ بنزین

#### در میان شعله های آتش جان سپرد

یک کارگر اخراجی پمپ بنزین در مهرآباد جنوبی که خود را به آتش کشیده بود، روز گذشته (سه شنبه ۴ آذر) در بیمارستان سوانح سوختگی توحید فوت کرد. بنا به گزارش روزنامه «اعتماد»، این کارگر که سلطانعلی خبیری نام داشت، کارگر پمپ بنزینی در مهرآباد جنوبی تهران بود که چندی قبل او را اخراج کرده بودند و سلطانعلی اوایل هفته گذشته برای گرفتن حق و حقوق خود به پمپ بنزین مراجعه کرد اما پس از چند دقیقه بدن شعله ور وی را خاموش کردند و به بیمارستان رساندند. به گفته مسئولان پمپ بنزین وی خود را با بنزین به آتش کشیده و خودسوزی کرده است. متأسفانه وی در بیمارستان جان سپرد. بی شک مسئول چنین اعمالی کارفرمایان و رژیم جمهوری اسلامی است.

### کارگران شرکت ایران ترانسفو اعتصاب کردند

عزت الله پازوکی دبیر و سخن گوی اتحادیه کارگران صنعت آب و برق، درباره اعتصاب کارگران به ایلنا گفت: مشکلی که اکنون کارگران ایران ترانسفو با آن مواجه بوده و به آن معترض می باشند، موضوع جدیدی نیست و در واقع همان مشکلی است که در سال گذشته تمامی کارگران شرکت ایران ترانسفو، بخش زنجان به آن معترض شده و دست به اعتصاب زدند که این مشکل به صورت ریشه ای رسیدگی نشد. وی اضافه کرد: شرکت ایران ترانسفوی ۸۰۰ کارگر دارد که ۱۰۰ نفر آنان را زنان تشکیل می دهند که در زمینه تولید فعالیت می کنند و به دلیل تصمیمات یک طرفه مدیریت، و زیر پا گذاشتن قوانین و مقررات کار، کاهش کیفیت در تولید... و در تدوین قراردادهای دسته جمعی معترض هستند.

### پنجاه هزار شکایت از اجرای بد قانون کار

روزنامه اعتماد، ۵ آذر ماه ۱۳۸۲، به نقل از علیرضا محبوب دبیرکل خانه کارگر رژیم، نوشت: متأسفانه سازمان تامین اجتماعی به جای عمل به قوانین، با قوانین بازی می کند. یکی از همین بازیگری ها عدم اجرای مفاد دقیق قانون کار است و وجود ۵۰ هزار شکایت از مشمول شدگان این قانون در دیوان عالی اداری دلیلی بر تصدیق این امر است.

### تحصن کارگران بخش فنی و تولید کشاورزی

#### کارخانه قند یاسوج

کارگران بخش فنی و تولید کشاورزی کارخانه قند یاسوج باز هم تحصن کردند. کارگران معترض و متحصن در مصاحبه با خبرنگار ایسنا، علت تحصن و عدم حضور در محل کار را اعتراض به سوء استفاده مدیریت قند اعلام کردند

رشید رزاقی

## چرا جمهوری اسلامی محکومیت در آژانس بین‌المللی اتمی را موفقیت می‌نامد؟

میکنند، در حافظه مردم شکل نگیرد و گفته‌ها و خط و نشانهای گذشته به یابوه گویی تعبیر نشود. چندی پیش آژانس از ایران خواسته بود که پروتکل الحاقی را امضا کند تا با اتکا به اطلاعات دقیق‌تر و بازرسی‌های بی‌موقع نحوه فعالیت‌های هسته‌ای ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. محافظه‌کاران به سختی واکنش نشان دادند و امضا پروتکل را خیانت به نظام تلقی می‌نمودند. آنها هر نوع تعاملی را نسبت به پروتکل با اثرات و عواقب قراردادهای خفت بار گلستان و ترکمانچای هم‌تراز و هم‌سنگ قلمداد میکردند. اینک که قرارداد امضا شده است، نماینده وزارت خارجه را جایگزین نماینده سازمان انرژی اتمی در آژانس کرده‌اند، تا پای‌خامنهای را که در تصمیم‌گیری‌ها نقش مستقیم داشت، بیرون بکشند و وانمود سازند اگر جمهوری اسلامی ضعیف عمل کرده است، ناشی از ندانم کاری و سیاسی عمل نکردن هیات کارشناسی بوده است.

از دیگر انگیزه‌های این موفقیت نمایی میتوان به این نکته اشاره کرد که جمهوری اسلامی به انتخابات دور هفتم مجلس شورای اسلامی حساسیت خاصی نشان میدهد. رژیم بشدت مراقب است تا در آستانه انتخابات به حیطة اقتدارش در زمینه سیاست خارجی خدشه وارد نشود. از آنجائیکه احتمال رویگردانی مردم از صندوق‌های رای هر روز بیشتر قوت میگیرد و خواب را در چشمان مسئولان رژیم آشفته کرده است، امید به این بستاند، با بهره گرفتن از سیاه بازی و فریبکاری و تظاهر به داشتن اقتدار کسب اعتبار نمایند. جمهوری اسلامی با فرضیه شکست آمریکا و با اتکا به فلسفه صفحه ۶

اسلامی بصورت کنترل شده و قابل نظارت در معرض قضاوت اعضای شورای حکام قرار خواهد گرفت. در صورت عدم رعایت، شورا ملزم خواهد بود در مشورت با مدیر کل آژانس تمامی گزینه‌های در دسترس را اعمال کند. همچنین در دیگر بندهای قطعنامه ضمن ابراز تأسف از قصور و پنهانکاری جمهوری اسلامی، وی ملزم به رعایت اصول پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای و امضاء پروتکل الحاقی شده است.

اگر مفاد قطعنامه تصویبی را مبنای سنجش قرار دهیم، بی‌پایه بودن ادعای موفقیت جمهوری اسلامی ایران برملا میشود. در این جلسه تنها نفعی که عاید جمهوری اسلامی شده است: یک فرصت زمانی تا فرارسیدن موعد بررسی مجدد پرونده است. در جلسه بعدی شورای حکام که در ماه مارس برگزار میگردد، نتایج دقیق بازرسی‌ها و گزارش تکمیلی بطور جدی و قاطعانه‌تری در دستور اجلاس قرار خواهد گرفت. قابل پیش‌بینی است که در اجلاس مزبور حقایق بیشتر روشن شود و چنانچه فعالیت تسلیحاتی جمهوری اسلامی برملا شود، دفاعیات اروپا با موانع جدی روبرو شود و عواقب ناخوشایندی در پی داشته باشد، مگر آنکه رژیم اسلامی با هزینه‌ای سنگین رضایت اروپا و آمریکا را توأماً جلب نماید.

بدین ترتیب آشکار میشود که هر نوع ادعا در زمینه موفقیت بی‌معنا است. البته تبلیغات حول این موضوع صرفاً مصرف داخلی دارد. نه تنها می‌خواهند مسئله انرژی اتمی را مهم و حیاتی جلوه دهند، بلکه قصد بر این است تصویر وارونه‌ای از تصمیم‌گیری شورا را به مردم نشان دهند، تا بلکه ذهنیتی که از ضعف رژیم حکایت

و خلافکار در مقابل قضاتی بر کرسی اتهام نشسته بودند که اغلب آنها خود نمایندگان کشورهای بودند که دارای سلاحهای اتمی هستند.

جمهوری اسلامی در قامت پیکری زبون و منزوی با بیم و امید چشم به صحنه دوخته بود تا بلکه طرف اروپایی، رقیب آمریکایی خود را پس براند و محکمه تخفیفات بیشتری برای وی قایل شود. وزرای خارجه سه کشور ارائه‌دهنده قطعنامه طی قراردادی که در تهران با امضا رسیده بود، وعده حمایت به جمهوری اسلامی داده بودند و در قبال اخذ امتیازات، عبور از بحران را تضمین کرده بودند. اتخاذ تدابیر کیفی همانگونه که قابل پیش‌بینی بود منجر به جدل و مناقشه سخت و خسته کننده بین طرفداران آمریکا و اتحاد اروپا گردید. آمریکا به استناد گزارش مدیر کل آژانس که در آن به پنهانکاری و قصور در ارسال گزارش و اطلاعات و اقدامات مربوط به غنی سازی اورانیوم اشاره شده، خواستار ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت بود. آمریکا اصرار می‌ورزید که فعالیت پنهانی غنی سازی اورانیوم بخاطر تولید سلاحهای هسته‌ای انجام گرفته و کاربردی جز این ندارد. اروپا هرچند اتهامات را وارد میدانست، اما خواستار برخوردی متفاوت توأماً با فرصت زمانی برای بازبینی عملکرد بود. سرانجام پس از مذاکرات جداگانه بین طرفداران دو طیف یاد شده و انجام معاملات بین آمریکا و اتحادیه اروپا، دو طرف به توافق رسیدند که در تنظیم قطعنامه لحن تندتر بکار برده شود و آمریکا نیز از خواست ارجاع پرونده به شورای امنیت منصرف شود. براساس بند ۸ قطعنامه، از این پس برنامه‌های هسته‌ای جمهوری

پرونده فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی در اجلاس اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت، تا در مورد تردیدهای موجود در مورد غیر صلح‌آمیز بودن فعالیت‌ها و تلاش این کشور برای دستیابی به سلاح هسته‌ای تدابیر لازم اتخاذ گردد. قبل از شروع مذاکرات البرادعی مدیر کل آژانس تأکید نمود: «جمهوری اسلامی تعهداتش را نسبت به اجرای مفاد منع گسترش سلاحهای هسته‌ای نقض کرده است». لذا شورای حکام میبایستی موازین تنبیهی و انضباطی موثری را، هرچند که جمهوری اسلامی با قبول امضا پروتکل الحاقی فصل جدیدی را در همکاری با آژانس گشوده است، اتخاذ نماید.

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از چند روز بحث و مذاکره بر سر مفاد پیش‌نویس قطعنامه سه کشور اروپایی: آلمان، فرانسه و انگلیس سرانجام قطعنامه ۱۲ ماده‌ای را به تصویب رساند که در آن ضمن انتقاد از جمهوری اسلامی ایران بر نحوه هماهنگی و تنظیم روابط با آژانس تأکید کرد. با انتشار قطعنامه، هر یک از دو کشور آمریکا و ایران ادعا میکنند، روند تصویب قطعنامه منطبق باخواست و مواضع آنها پیش رفته است و دیگری را به شکست وا داشته‌اند. بویژه جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌تری را پیرامون آن بره انداخته و شغف و سرمستی آمیخته با غروری را از خود نشان میدهد.

در بررسی روند جلسات شورای حکام و پیشینه فعالیت هسته‌ای ایران، واقعیت‌ها تصویری خلاف ادعای جمهوری اسلامی را نشان می‌دهد. مشارکت هیات ایرانی در اجلاس شورا حالتی استثنایی داشت، نمایندگان جمهوری اسلامی از قبل بعنوان متهم